

در ستایش حرکت به «قصر شیرین»



معین احمدیان

دبیر گروه فرهنگی

«قصر شیرین» حرکت کردن مردی به نام «جلال» از حالی به حالی دیگر از تصویر می‌کند. جاده و آدم‌هایش بیپناه‌اند بلکه تلاش برای ارائه تصویر یک دگرگونی آرام برای یک مرد در بستر جاده‌ای برای رسیدن به «قصر شیرین» است. شیرینی که مادر یک خانواده از هم پاشیده بوده و در لحظه احتضارش برای ماندگاری فرزندان در کنار پدرشان تلاش می‌کند و جان می‌دهد. «قصر شیرین» فیلم گوهر خانواده است و قرار است آدم‌های این خانواده، خیلی آرام و در مسیر یک تحول به این قصر پناه ببرند.

فیلم از ابتدا با نقاط پنهانش مخاطب را درگیر سوال و جواب می‌کند تا بتواند شخصیت «جلال» و دنیایی که در فیلم ترسیم می‌کند را تکمیل کند. فیلمساز به قصد تعلیقی دروغین، این نقاط سوال برانگیز را پنهان نکرده، بلکه قرار است هر کدام از این سوال‌ها و گره‌ها در جای خودش باز شود. اغلب سوال‌هایی هم که برای مخاطب شکل می‌گیرد، در مورد چرایی رفتار «جلال» است به خاطر اینکه اصلا فیلم بنا دارد، قصه تغییر احوالات این مرد را برای مخاطبانش روایت کند. اینکه چرا «جلال» از بچه‌هایش، دوری می‌کند و اینکه چرا «جلال» همسرش را ترک کرده است و آیا جلال در عین نفرت از همسرش، همچنان او را دوست دارد؟

میرکریمی همان پایگاهی که برای ایده‌های فیلمسازش از انتخاب کرده را استوار نگه داشته، فارغ از تعریفی که برای فیلمسازان اجتماعی لحاظ می‌کنند او را می‌توان یک فیلمساز سینمایی انسانی دانست. اگرچه در بخش‌هایی از فیلم «قصر شیرین» مثل سکانس‌هایی که در گلخانه و صحبت‌هایی که بین «جلال» و آقای «داودی» رد و بدل می‌شود، قصه تنهایی یک زن در جامعه و مشکلات اجتماعی مختص او، به چشم می‌خورد ولی فیلمساز تلاش داشته از این نقطه هم سریع عبور کند و در دام ساخت یک اثر اجتماعی صرف باقی نماند. زاویه دیدی که فیلمساز با قرار دادن یک زن دیگر به این نقطه از فیلم می‌دهد، نقطه اتصال و

گفت‌وگو



یگانه عرب

روزنامه‌نگار

سیدرضا میرکریمی را به‌عنوان یک فیلمساز روشنفکر اما مذهبی می‌شناسند. فیلم‌های او چنان نیستند که هم در گیشه و هم برای جشنواره‌ها جذاب باشند؛ اما او چه در جشنواره‌های داخلی و چه خارجی، موفقیت‌های قابل توجهی داشته و بارها اتفاق افتاده که نسبت به یک فیلم اندیشه‌محور، توانسته جایگاه ویژه آبرومندی هم پیدا کند. او از ابتدا نگاهی به فضاهای غیرتهرانی داشت و اگر از «زیر نور ماه» به همین سادگی «مگذریم، اکثر قصه‌هایش را یکی از ۶ گوشه ایران روایت شده‌اند؛» یعنی اینکه مساله‌شان خاص همان منطقه باشد. از طرف دیگر میرکریمی بعداز «به همین سادگی» توجه ویژه‌ای به موضوع زنان نشان داد و آخرین فیلم او «قصر شیرین»، این روند را بدون نمایش چهره زنی که کانون اصلی ماجرا به حساب می‌آمد، پی گرفت. شخصیت خشن‌وبی عاطفه مرد در این فیلم، برای خیلی‌ها محل مناقشه شد، طوری که انتقادها نسبت به فمینیستی بودن کار در نشست خبری فیلم، باعث داخلوری و عصبانیت فیلمساز شد. اما ما گفت‌وگو درباره این موارد را به فرصتی دیگر و فضایی آرام‌تر

فرهنگ



عشق «جلال» به «شیرین» است که به خوبی ترسیم می‌شود. ضمن اینکه فیلم قرار نیست چیزی شبیه فیلم «کرامر علیه کرامر» باشد و قصه جدایی یک زن و شوهر را روایت کند و به مشکلات حضانت فرزندان بپردازد. فیلم به خاطر پرهیز از تغییر آئی «جلال» و البته بازشناسی این شخصیت توسط تماشاگرش، مجبور است خیلی آرام روایت شود ولی به خاطر رنگ‌بندی و تغییر مسیرهای جاده‌ای و شیرینی بازی بچه‌های فیلم، قصه‌ای کش دار و خسته‌کننده نیست. جاده‌ای که میرکریمی نشان می‌دهد شبیه جاده «طعم گیلاس» مرحوم کیارستمی نیست. شخصیت فیلم «طعم گیلاس» در مارپیچ یک جاده کوهستانی خشک قرار است به درکی از فلسفه زیستن دست‌یابد. میرکریمی در این فیلم، قصه‌گوتر با پرهیز از



روزنامه‌نگار

فیلم سینمایی «قصر شیرین» تازه‌ترین اثر میرکریمی در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر رونمایی شد. فیلمی جاده‌ای که مخاطب را به یاد فیلم «خیلی دور خیلی نزدیک» از همین کارگردان می‌اندازد. «قصر شیرین» داستان تغییر یک مرد است، البته نه آنچنان سریع و ناگهانی که با شوک‌های لحظه‌ای است بلکه با فاصله‌های اندک در متن اثر، نقطه‌گذاری شده است.

این بار هم میرکریمی در فیلمش با وام گرفتن از تاثیر و تاثیرهای معمای «مرگ» در درام فیلم، نسبت به جدا افتادگی انسان از یک هویت اصیل، نهیب می‌زند. «جلال» با بازی حامد بهداد، مردی شکست خورده و خشمگین است که چندسالی به خاطر یک تنفر آئی نسبت به همسرش، خانواده خود را ترک کرده و گویا هیچ عاطفه‌ای نسبت به همسر و فرزندان ندارد. شرایط به گونه‌ای رقم می‌خورد که «جلال» در کنار فرزندان‌ش قرار بگیرد و برای نگهداری از آنها در فقدان مادر خانواده، چاره‌اندیشی می‌کند.

داستان «قصر شیرین» در طول یک سفر جاده‌ای روایت می‌شود. در این سفر دوربین با جلال همراه می‌شود تا در تعامل او با دیگران و رویارویی اش با حوادث، شخصیتش مقابل چشم تماشاگران شکل بگیرد. در انتهای فیلم مخاطب به دلایل این میزان خشم و نفرت نسبت به

۱۳

خانواده‌اش پی می‌برد. حامد بهداد که همیشه عهده‌دار نقش آفرینی شخصیت‌های عصبی و خشمگین در فیلم‌های مختلف است به خوبی توانسته در قالب جلال فرورود و نقشی قابل پذیرش را در این فیلم ارائه دهد. «قصر شیرین» یک فیلم جاده‌ای خوش ساخت است که پر از فراز و نشیب‌های درست و حساب شده برای معرفی و تحول درونی شخصیت اصلی فیلم است. فیلمی که جغرافیای آن هم به حال و هوای مخاطبان کمک کرده است. استفاده از بازیگران کودک در فیلم توانسته مناسبات عاری از عاطفه شخصیت «جلال» را تلطیف کند و مخاطبان از بودن در این جمع خانوادگی لذت می‌برند. فیلم پر از مجادله‌های شخصیت زمخت جلال با اطرافیان‌ش است.

شخصیتی پیچیده که دلایلی ساده برای پرخاشگری‌هایش دارد که کارگردان تلاش کرده آنها را تا اواخر فیلم پنهان کند تا تعلیق مورد نیاز برای کشاندن مخاطبان تا انتهای مسیر را شکل دهد.

سفری که جلال با خانواده‌اش آغاز می‌کند، سفری کوتاه است که باعث می‌شود مسیر تحولات درونی او آنچنان هم عمیق نباشد و فیلم با یک پایان‌بندی نه‌چندان فوق‌العاده به پایان برسد. دوربین در قسمت‌های اعظمی از فیلم تنها به دنبال دلایل جلال برای رفتارهای پرخاشگرایانه‌اش است و فاصله او با شناختی که فرزندان از او دارند را به نمایش می‌گذارد. گویا تحول درونی شخصیت او اصلا مورد توجه میرکریمی نبوده و این کارگردان عمداً نخواست به این‌س موضوع بپردازد. نام فیلم نیز کنایه‌ای است که به همین نکته اشاره دارد.

«قصر شیرین» را می‌توان یکی از بهترین فیلم‌هایی دانست که درباره نقش زن در خانواده به‌عنوان مادر و همسر پرداخته شده است. از ابتدا تا انتها فیلم حتی ما چهره شیرین، مادر خانواده را نمی‌بینیم اما فیلم از حضور پررنگ او در خانواده و جایگاهش در استحکام بخشیدن به آن سرشار است. شیرین قهرمانی است که در ابتدای فیلم می‌میرد تا در طول فیلم شاهد کنش‌ها و واکنش‌های ضدقهرمان «قصر شیرین» در برابر تاثیراتی باشکوه که قهرمان پیش از مرگ بسر زندگی اطرافیان‌ش گذاشته است.

نقطه قوت اکثر آثار میرکریمی، همدات‌پنداری مخاطبان با شخصیت‌های فیلم‌های اوست. میرکریمی با تسلط به فرم و تکنیک، شخصیت‌هایی را خلق می‌کند که در جامعه حضور دارند و هرکس با سرک کشیدن به زندگی خود و اطرافیان‌ش می‌تواند افرادی مشابه آنها را در اطرافش مشاهده کند. نقطه قوتی که در سینمای ایران که اغلب شخصیت‌های خلق شده به دست کارگردان‌ها توسط بخش اعظمی از جامعه غیرقابل درک و مشاهده در زندگی روزمره هستند، کاملا به چشم می‌آید و میرکریمی را به‌عنوان یک کارگردان برجسته سینمایی مطرح می‌کند.

شخصیت جلال هراندازه که در ابتدای فیلم غیرقابل درک و دور از ذهن به نظر می‌رسد، در انتهای فیلم که مخاطب به دلایل او برای رفتارهایش پی می‌برد، آشنا جلوه می‌کند. جلال، شخصیتی است که همه ما می‌توانیم خود را جس‌ای او ببگذاریم. فردی بسا ترس‌ها، نفرت‌ها و بدفهمی‌های روزمره ما که در مخصصه سرزوشست غرق شده است و زندگی او را به دیوی سنگدل و قادر به هرکار ناپسند و قبیحی تبدیل کرده است. اما فیلم در فرآیندی آرام و خوش‌رنگ و لعاب در امتداد جاده تغییر، قصه اصلاح یک نگاه در «جلال» را تصویر می‌کند. می‌توان گفت این فیلم قطعه‌ای از پازل جهان بینی لطیف و عمیق میرکریمی است.

جشنواره فجر این دوره، به طرز کم‌سابقه‌ای مأمن فیلم‌های بی کیفیت است

چرا جشنواره، اسامی فیلم‌های متقاضی حضور در فجر را منتشر نمی‌کند؟

همان‌گونه که روابط‌عمومی جشنواره، روشنگری و شفافیت را در اعلام اسامی خبرنگاران و منتقدان متقاضی حضور در جشنواره محدود می‌بیند، باید نسبت به انتشار اسامی فیلم‌های متقاضی جشنواره، این چنین سفت و سخت ظاهر شود و لاقل، تنها اسامی فیلم‌هایی که فرم حضور را در این فستیوال پر کرده‌اند، منتشر کند. تاکنون عنوان می‌شد جشنواره تنها به دلیل حفظ آبروی صاحبان آثار، دست‌به‌چین کاری نمی‌زند ولی وقتی فعالیت خود جشنواره و تیم داوری آنها تحت‌الشعاع حواشی بسیار قرار دارد، جشنواره چرا باید تن به این گل‌به‌خودی تمسخرآمیز بدهد؟ وقتی لیست آثار متقاضی اعلام شود، مخاطب و منتقدان مخیر خواهند بود که انتخاب کنند فیلم‌های بخش مسابقه یا چه تمهیداتی خود را به رقابت با دیگر آثار در این فهرست رسانده‌اند.

همچنانکه مشابه این اقدام در داوری نهایی جشنواره و اعلام اسامی برگزیدگان سیمرغ رعایت می‌شود و مخاطب می‌تواند از میان فیلم‌هایی که دیده، دست‌به‌داوری زده و سپس نتایج خود را با آمار داوران مقایسه‌کند. حرف و حدیث‌هایی پیش می‌آید اما اصل، روشنگری است و روندی کاملا طبیعی است. هم‌اکنون مخاطب می‌پندارد این ۱۱ فیلم بخش نگاه نو، برترین آثار اول ساخته‌شده یک سال اخیر سینمای ایران است. اگر این‌طور باشد، آیا واقعا فیلمی بهتر از این سه، چهار فیلم حاضر در این فهرست وجود نداشت و در این صورت چه اصراری بود که تمام ظرفیت‌های ۱۱ فیلم این بخش، پر شود و اگر اینها برترین فیلم‌های اول یک سال اخیر نیستند، پس با چه دلیلی در بخش رقابتی جشنواره چه چیزهایی است؟

میرکریمی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

«قصر شیرین» فیلم خانواده است

که فیلم فقط باید در تهران ساخته شود تا بتوان تعمیم داد. شما در مورد مسائل اخلاقی و انسانی و هر موضوعی که مربوط به بشر امروز است، درهر کجای دنیا صحبت کنید، می‌تواند تعمیم پیدا کند و خیلی ربطی به جغرافیا ندارد.

چرا همین یاسوج و سمیرم را سعی نکردید با یک نشان‌های در فیلم نشان دهید؟ ما فقط از روی نوشته روی اتوبوس فهمیدیم که مکان اتفاقات کجاست؟

بله، ولی در «خیلی دور خیلی نزدیک» هم به کوب لویت و کوبر مرکزوی کرمان رفته‌ولی خیلی آدرس دقیق ندادم چون به‌نظرم خیلی کمکی به روند قصه نم‌می‌کرد، اما تا جایی که ممکن است و قصه اجازه می‌داد در طبیعت آنچه می‌خواستم را نشان دادم.

چرا زن قصه را نشان ندادید؟

یک چیزهایی را هم شما باید در ذهن‌تان بسازید.

موکول کردیم و پس از نمایش فیلم و برگزاری نشست خبری، با سیدرضامیرکریمی مقداری درباره غیرتهرانی بودن فیلم‌هایش حرف زدیم. او فیلم‌ها را از تهران خارج می‌کند اما مسائلی که طرح می‌شوند، هیچ کدام منطقه‌ای و مخصوص به یک جغرافیای خاص نیستند.

|||

آقای میرکریمی! سواي برداشت‌های احيانا متفاوت مخاطبان، از نظر خود شما پیام فیلم «قصر شیرین» چه بود؟

خانواده.

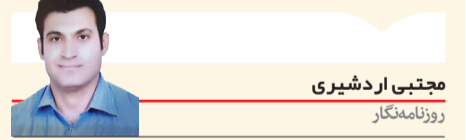
سینمای ایران کلا تهرانی شده اما شما هم اجتماعی هستید و هم از تهران خارج می‌شوید. آیا برای این موضوع عمدی دارید؟ فیلمی که در تهران ساخته می‌شود، مساله‌اش تعمیم داده می‌شود به همه شهرستان‌ها، اما فیلم شهرستانی، خاص همان منطقه خواهد شد؟

ما کشور بزرگی داریم. چرا فقط در تهران بنامیم و اصلا این‌گونه نیست

دلیل صحبت‌های آقای دبیر پی می‌بریم. غرض از این صحبت او، نبودن ۲۲ فیلم کیفی خوب متناسب با جشنواره برای بخش مسابقه بوده است. اما با این حال، چرا اسامی ۲۲ فیلم اعلام شد و صلاح بر آن گذاشته نشد که دیگر فیلم‌ها را در بخشی به نام «خارج از مسابقه» نمایش دهند؟

این اتفاق مخصوصا در فیلم‌های بخش نگاه‌نو جشنواره اسمال بیشتر به چشم می‌آید. جایی که حداقل سه تا چهار فیلم این فهرست، آشکارا جایز در جشنواره نداشته و به سینماهای دیگری چون بدنه تعلق دارند و با هدف مستقیم گیشه ساخته شده‌اند. پیش از آغاز جشنواره، با یکی از تهیه‌کنندگان سینما در‌مورد کار آخر او صحبت می‌کردیم که ایشان گفتند فرم جشنواره را هم پر کرده‌ایم. در مواجهه با این صحبت، این سوال مطرح شد که مگر این فیلم شما برای گیشه ساخته نشده؟ که ایشان هم با لبخندی، تایید کرد و گفت حالا فرم جشنواره را هم پر کرده‌ایم. در کمال تعجب، همان فیلمی که تهیه‌کننده ادعان داشت یک فیلم صرفا گیشه‌ای است، وارد بخش رقابتی جشنواره شده و وقتی هم که اکران شد، متوجه شدیم فیلم، چیزی از جنس کارهای سینمای بدنه که هم‌اکنون در سینماهای کشور اکران شده و عموما با بی‌توجهی مردم مواجه می‌شود، هیچ فرقی نداشته و در برخی نشانه‌گذاری‌ها، حتی پایین‌تر و نازل‌تر از آن آثار نیز قرار دارد. اتفاقی که نه تنها ناراضیتی منتقدان و اهالی رسانه را در پی داشت بلکه مورد توجه مردم در سینماهای مردمی هم واقع نشده و اظهارنظرهای منفی راجع به آن می‌شنویم.

تعداد این قبیل آثار، در دویخش سودای سیمرغ و نگا نو، قطعا



مجتبی اردشیری

روزنامه‌نگار

هر ساله پیش از آغاز جشنواره فیلم فجر، با دو پدیده غالب مواجه هستیم: نخست تمایل سینمادوستان به تعدد فیلم‌های بخش مسابقه و ایضا انتظار سینماگران مبنی بر شکسته شدن سقف ۲۲ فیلم بخش مسابقه و دوم، جریان رسانه‌ای است که به نفع برخی فیلم‌ها به‌راه‌انداخته می‌شود تا آن فیلم‌ها را جزء آثار شاخص آن دوره محسوب کنیم.

در‌مورد اتفاق اول که انتظار مردم و سینماگران از فیلم‌های بخش مسابقه است، استدلال بر این است که قانون نوشته‌شده‌ای در ارتباط با انتخاب ۲۲ فیلم در این بخش وجود ندارد و این منطقی است که از میان تولیدات ۷۰ تا ۹۰ فیلم سالانه سینمای کشور، مثلا به جای ۲۲ فیلم، ۳۰ فیلم در بخش مسابقه حضور داشته باشد. این استدلالی است که نه تنها از سوی مردم بلکه از زبان کارگردانان و تهیه‌کنندگانی که فیلم‌هایشان وارد گردونه مسابقات جشنواره نشده‌اند نیز شنیده می‌شود؛ نمونه امسالش، اظهارنظر پرویز پرستویی است که خطاب به هیات انتخاب و دبیر جشنواره گفته بود: «مگر قرآن خدا غلط می‌شد، اگر به فیلم‌های بخش مسابقه، فیلم آقای الوند (آنجا، همان ساعت) هم اضافه می‌شد.»

اما اسمال دبیر جشنواره، در سخنی که اصلا بازتاب نداشت، حق مطلب را در این زمینه به‌خوبی ادا کرد؛ جایی‌که داروغه‌زاده با صراحت اعلام کرد: «شاید تعداد فیلم‌های بخش سودای سیمرغ امسال، از ۲۲ فیلم کمتر شود.»

در آن زمان، این سخن داروغه‌زاده بازتاب چندانی نداشت اما امروز که نیمی از جشنواره را پشت‌سر گذاشته‌ایم، تازه داریم به